



نقش تکنولوژی در آموزش و کلاس درس

فن و روش تدریس جدید است. با این نگاه به هدف (هر چند ممکن است برخی هنوز با چنین نگاهی موافق نباشند، اما در کل به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده است) اینک می‌توانیم نقش تکنولوژی را بررسی کنیم:

نقش تکنولوژی در کلاس‌های درس حمایت از الگوی جدید آموزش است.

در واقع، نقش تکنولوژی - تنها نقشی که دارد - حمایت از دانش‌آموزان است تا بتوانند با راهنمایی معلم خودآموزی کنند.

تکنولوژی نمی‌تواند و نباید فقط از فن و روش تدریس قدیمی، یعنی گفتن و سخنرانی کردن - مگر در موارد معدودی از قبیل نمایش فیلم و اسلاید - پشتیبانی کند،

گوناگون می‌توان آن را بیان کرد، اما مسیر اصلی از روش تدریس قدیمی یعنی صحبت کردن یا سخنرانی فاصله گرفته و به طرف فن و روش تدریس جدید، یعنی خودآموزی کودک با راهنمایی معلم (ترکیبی از یادگیری دانش‌آموز محور، یادگیری مسئله محور، یادگیری موضوع محور و حضور معلم به‌عنوان راهنمایی در کنار دانش‌آموز) حرکت کرده است. (آموزش تلفیقی)^۲.

البته این نوع فن و روش تدریس در واقع جدید نیست، اما از نظر بسیاری از معلمان ما^۳ جدید است. هر معلم و مجری آموزشی در حال حاضر در زنجیره‌ای بین الگوهای قدیم و جدید آموزشی در حرکت است. وظیفه دشوار ما سوق دادن هر چه سریع‌تر معلمان به طرف

مدتی طول کشید، اما در نهایت به تعریفی کاربردی، جامع و واحد از تکنولوژی در کلاس درس رسیدیم. دست یافتن به چنین تعریف واحدی مهم است، زیرا تنوع رویکردها و شیوه‌های متفاوت بحث در مورد نقش تکنولوژی، سردرگمی و سرخوردگی اغلب آموزش دهندگان را به دنبال دارد. هر چند شیوه‌های آموزش از کودکان گرفته تا دبیرستان هنوز هم در قرن بیست و یکم به بررسی بیشتری نیاز دارد، اما به عقیده من، یکی از اهداف آموزش مشخصاً پرداختن به فن و روش تدریسی است که کودکان باید بر آن اساس آموزش ببینند. همان‌گونه که هدف دیگر، تولید برنامه‌های درسی مناسب در قرن بیست و یکم است. هر چند به شیوه‌های

در واقع، وقتی معلم در کلاس درس از الگوی قدیمی «گفتن» و «سخنرانی» بهره می‌گیرد، غالباً نمی‌تواند از تکنولوژی استفاده کند.

ابزاری جدید برای دانش‌آموزان

یکی از دلایل اینکه روش خودآموزی دانش‌آموزان به شیوه اصلی آموختن تبدیل نشد، با وجود داشتن طرفداران بسیار، به خصوص از زمان دیویی^۵ و احتمالاً سقراط^۶، این است که ابزار لازم برای استفاده یادگیرندگان، به قدر کافی فراهم نبود. تقریباً تا این اواخر، تمامی بچه‌ها مجبور بودند با استفاده از کتاب‌های درسی، دایرةالمعارف‌ها، کتابخانه، و پرسش کردن آموزش ببینند. البته این رویکرد برای دانش‌آموزان باهوش مفید بود، اما برای همه دانش‌آموزان خیر.

با اینکه امروزه، تکنولوژی جدید، انواع ابزارهای مفید و جدید را در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار می‌دهند و معلم می‌تواند و باید از آن‌ها استفاده کند و راهنما باشد، ولی این دانش‌آموزان هستند که غالباً از این ابزارها به بهترین شکل استفاده می‌کنند، نه معلمان. از این زاویه، بخشی از مسائلی که قبلاً عجیب به نظر می‌رسیدند، معنا پیدا می‌کنند. در بعضی از مناطق آموزشی آمریکا، تکنولوژی را به سیستم آموزشی خود افزودند (مثلاً با دادن لپ‌تاپ به همه دانش‌آموزان)، اما متوجه شدند که تکنولوژی کمکی به یادگیری کودکان نکرد و در نتیجه آن‌را پس گرفتند. به این ترتیب، این مسئله که چرا معلمان از همان آغاز در مناطق آموزشی مجبور به تغییر روش آموزشی خود نشدند، معنا پیدا می‌کند.

بسیاری از معلمان، در برابر آموختن نحوه استفاده از تکنولوژی مقاومت کردند. این نیز درک شدنی است، باید هم مقاومت کنند، چون قرار نیست آن‌ها از تکنولوژی برای تدریس به دانش‌آموزان استفاده کنند، بلکه این دانش‌آموزان هستند که باید از تکنولوژی به عنوان ابزاری برای آموزش خود بهره بگیرند. نقش معلم نباید فنی و تکنولوژیکی باشد، بلکه معلم باید نقشی روشن‌گرانه بازی کند تا بتواند متن در اختیار دانش‌آموز قرار دهد، او را از کیفیت مطمئن سازد و به دانش‌آموز

کمک اختصاصی برساند.

عموماً دانش‌آموزان (از نظر معلمان) از تکنولوژی در کلاس درس «سوء استفاده» می‌کنند، آن‌گونه که معلمی می‌گوید «آن‌ها از تکنولوژی به عنوان یک وسیله بازی و سرگرمی استفاده می‌کنند». این مسئله نیز درک شدنی است. کودکان در دستان خود ابزار آموزشی قدرتمندی دارند، اما فرصتی برای آموختن نحوه استفاده از آن به آن‌ها داده نمی‌شود. دانش‌آموزان سراسر جهان در برابر الگوی

استفاده کند: «سه علت برای ... وجود دارد. شما ۱۵ دقیقه فرصت دارید که با استفاده از تکنولوژی در اختیار، آن‌ها را بیابید. سپس درباره یافته‌ها بحث می‌کنیم.»

اگر در این باره به توافق برسیم که نقش تکنولوژی در کلاس‌های درسی ما حمایت از فن و روش تدریس جدید است، روشی که براساس آن کودکان با بهره‌گیری از راهنمایی‌های معلم، خودآموزی می‌کنند، می‌توانیم سریع‌تر در مسیری که به هدف منتهی می‌شود، گام برداریم. اما اگر تعاریفی



که افراد از نقش تکنولوژی دارند متفاوت باشد، رسیدن به هدف زمان بیشتری را می‌طلبد. این‌ها بخشی از تلاش عظیمی است که امیدوارم بتوانیم در کنار سایر متفکران آموزشی، به منظور یکسان‌سازی زبان فن و روش تدریس در ارتباط با تکنولوژی، انجام دهیم تا بتوانیم به طرف هدفی واحد حرکت کنیم و انتظارات یکسانی از معلم و دانش‌آموزمان داشته باشیم. البته سخنان من لزوماً بهترین‌ها نیست، اما اگر قرار باشد تغییرات مورد نظرمان را در بازه زمانی معقولی اعمال کنیم، قطعاً کلید این کار سخن گفتن به زبانی مشترک است.

* بی‌نوشت‌ها

1. Marce Prensky
2. Pedagogy (فن و روش تدریس)
۳. ترکیبی از یادگیری دانش‌آموز محور و ...
۴. منظور نویسنده معلمان آمریکایی هستند.
5. Dewey
6. Socrates

قدیمی «سخنرانی» با تمام قدرت مقاومت می‌کنند. زمانی که معلمشان سخنرانی می‌کند، آن‌ها سرشان را پایین می‌اندازند، با دوستان خود نامه رد و بدل می‌کنند و به طور کلی از گوش دادن سر باز می‌زنند. اما همین دانش‌آموزان مشتاق‌اند از فرصتی که در کلاس دارند، برای آموزش خودشان استفاده کنند؛ درست مانند زمانی که بعد از مدرسه، به تنهایی از تکنولوژی برای یادگیری مطالب مورد علاقه‌شان بهره می‌برند.

بنابراین، قبل از وارد کردن تکنولوژی به مدارس، باید قدمی مهم برداریم. لازم است در ابتدا معلمان را مجبور کنیم از سخنرانی دست بردارند؛ و به تدریج به دانش‌آموزان اجازه دهیم خودشان یاد بگیرند. به جای حضور در کلاس درس با طرح درسی آماده که این‌گونه شروع می‌شود «در اینجا سه علت برای ... وجود دارد. لطفاً یادداشت کنید»، معلم باید از این جملات